

## بررسی و توصیف واژه‌بست‌های ضمیری در گوش بهبهانی

زهرا حامدی شیروان<sup>۱</sup>، شهلا شریفی<sup>۲\*</sup>، محمود الیاسی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

پذیرش: ۹۴/۵/۱۸

دریافت: ۹۴/۳/۱۳

### چکیده

در این مقاله، واژه‌بست‌های ضمیری در گوش بهبهانی و نقش آن‌ها در گروه و جمله را بررسی می‌کنیم. واژه‌بست‌های ضمیری در گوش بهبهانی چهار نقش فاعلی، مفعولی صریح، مفعولی غیرصریح و اضافی دارند. در این مقاله، نشان می‌دهیم که واژه‌بست‌های فاعلی پانزده میزبان -از نظر نقش دستوری- در این گوش دارند که به تفصیل در این مقاله این موضوع را بررسی می‌کنیم. میزبان‌های واژه‌بست‌های مفعولی صریح عبارت‌اند از پیشوند امری یا پیشوند فعل پیشوندی، جزء غیرفعلی فعل مرکب، پیشوند استمراری، فعل و پیشوند نفی. میزبان واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح، مفعول صریح و پیشوند استمراری هستند. واژه‌بست‌های اضافی نیز میزبان‌هایی از نوع فاعل، مفعول صریح و متمم دارند. از نظر مقوله فعل، اسم، صفت، انواع ضمیر (شامل ضمائر شخصی، اشاری و مبهم)، واژه‌بست، حرف اضافه، ضمیر پرسشی، پسوند تصریفی جمع و حرف نشانه «را» به‌عنوان میزبان عمل می‌کنند. از نظر جایگاه، تمایل غالب واژه‌بست‌های این گوش به ظهور در جایگاه دوم، پس از اولین واژه یا پس از اولین سازه در بند است. یکی از تفاوت‌های اصلی و نقطه افتراق بین گوش بهبهانی و فارسی معاصر واژه‌بست‌های فاعلی است. در فارسی معیار، عنصری با عنوان واژه‌بست فاعلی وجود ندارد؛ درحالی که در بهبهانی، نظامی غنی از این واژه‌بست‌ها با میزبان‌های متنوع وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** واژه‌بست ضمیری، گوش بهبهانی، میزبان واژه‌بست، جایگاه واژه‌بست، گروه، جمله.

### ۱. مقدمه

زبان‌ها و گویش‌های هر کشور و منطقه، بخش مهم و ارزشمندی از میراث فرهنگی و معنوی آن به‌شمار می‌روند و حفظ و صیانت از این میراث، تکلیفی برعهده همگان است. سرعت انقراض و

نابودی زبان‌ها و گویش‌های محلی درمقایسه با زبان و گویش رسمی و معیار، به دلیل مهاجرت و ترغیب نکردن خانواده‌ها به آموختن زبان مادری به کودکان بسیار بیشتر است (حسن‌دوست، ۱۳۸۹: ۹). متأسفانه با انقراض هر گویش، بسیاری از عقاید، آداب و رسوم و ادبیات، شامل افسانه‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار عامیانه نیز از بین می‌روند؛ زیرا گویش‌ها انتقال‌دهنده ارزش‌های فرهنگی، دینی، ملی، قومی، خانوادگی، سیاسی و تاریخی هستند و در شکل‌دهی به هویت و جهان‌بینی افراد، نقش بسیار مهمی دارند.

بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های موجود در دنیا در معرض خطر انقراض قرار دارند و زبان‌ها و گویش‌های ایران نیز از این مسئله مستثنی نیستند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین وظیفه‌های زبان‌شناسان و متخصصان در این حوزه، مستندسازی، جمع‌آوری و تحلیل گویش‌های مختلف است. در این پژوهش، نظام واژه‌بست‌های ضمیری در یکی از گویش‌های فارسی، یعنی گویش بهبهانی را بررسی کرده‌ایم.

گویش بهبهانی یکی از گویش‌های جنوب غربی زبان فارسی است که در شهرستان بهبهان، واقع در جنوب شرقی استان خوزستان و در جنوب غربی ایران، رواج دارد. مطابق آمارگیری سال ۱۳۸۵، جمعیت این شهرستان حدود ۳۷۳/۱۷۵ نفر بوده است (معماری، ۱۳۸۹: ۹). این گویش از نظر واژگان و برخی ساخت‌های دستوری، از جمله نظام ضمائر شخصی پیوسته، با فارسی معیار تفاوت محسوسی دارد. این گویش علاوه بر ضمائر شخصی آزاد، دارای نظامی از ضمائر واژه‌بستی است که با فارسی معاصر تفاوت‌هایی دارند. در این پژوهش، واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی را بررسی می‌کنیم. سؤال‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی به چند گروه تقسیم می‌شوند؟
۲. میزبان واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی چه عناصری هستند؟
۳. نقش یا نقش‌های واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی چیست؟
۴. جایگاه واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش چگونه است؟
۵. نظام واژه‌بستی گویش بهبهانی چه تفاوتی با فارسی معیار دارد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر، پژوهشگران و زبان‌شناسانی درباره واژه‌بست‌ها به‌طور کلی و واژه‌بست‌های ضمیری به‌طور ویژه در زبان‌ها و گویش‌های مختلف، مطالعات و بررسی‌های نسبتاً مفصلی انجام داده‌اند (Anderson, 2004 2005; Zwicky & Pullum, 1983; Zwicky, 1985; Klavans; 1985). در ایران نیز در یکی دو دهه اخیر، کارهایی در این زمینه انجام شده است که در این بخش، به‌اختصار

مرتبطترین آن‌ها با موضوع این مقاله را معرفی می‌کنیم. در پایان، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه گویش بهبهانی را معرفی می‌کنیم.

راسخ‌مهند (۱۳۹۱) در مقاله «واژه‌بست‌های ضمیری در گویش رایجی آران و بیدگل»، توزیع و نقش‌های مختلف واژه‌بست‌ها را در این گویش که از زبان‌های ایرانی نوبی شمال غربی است، بررسی کرده و مقایسه‌ای هم با کاربرد این واژه‌بست‌ها در برخی دیگر از زبان‌های ایرانی انجام داده است. از نتایج این پژوهش این است که این پی‌بست‌ها در رایجی در نقش نشانه فاعل متعدی در زمان گذشته، ضمیر ملکی، مفعول مستقیم و غیرمستقیم و متمم حروف اضافه به‌کار می‌روند. در رایجی، این واژه‌بست‌ها دیگر در جایگاه واکرناگل به‌کار نمی‌روند و از این حیث، با زبان‌های ایرانی باستان و میانه تفاوت دارند. این پی‌بست‌ها در اشاره به فاعل منطقی جمله در زمان گذشته، به‌صورت شناور می‌توانند به سازه‌های مختلفی قبل از فعل اضافه شوند. این واژه‌بست‌ها در نقش‌های دیگر، به هسته خود اضافه می‌شوند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۸) در مقاله دیگری با عنوان «نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی»، توزیع و نقش‌های مختلف پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی را بررسی کرده است. با بررسی داده‌ها، مشخص شد که این پی‌بست‌ها در تاتی جنوبی در نقش نشانه فاعل متعدی در زمان گذشته، نشانه مفعول مستقیم و نشانه نقش اضافی به‌کار می‌روند. ضمائر پی‌بستی در تاتی جنوبی در نقش نشانه فاعل متعدی در زمان گذشته، در جایگاه واکرناگل ظاهر می‌شوند و از این نظر، با فارسی میانه مشترک هستند. این پی‌بست‌ها در نقش نشانه مفعول در تاتی جنوبی، از جایگاه واکرناگل خارج شده‌اند؛ ولی هنوز کاملاً به جایگاه پس از فعل نرفته‌اند و در جایگاه سازنده قبل از فعل قرار می‌گیرند. از این نظر، این پی‌بست‌ها در مقایسه با فارسی میانه، به‌سوی انتهای جمله حرکت کرده‌اند؛ هرچند هنوز به جایگاه انتهایی نرفته‌اند.

واحدی لنگرودی و ممسنی (۱۳۸۳) در مقاله «بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری»، بیان می‌کنند که پی‌بست‌های ضمیری در این گویش چهار نقش فاعلی، مفعولی صریح، مفعولی غیرصریح و ملکی را ایفا می‌کنند. پی‌بست‌های فاعلی در جملات متعدی زمان گذشته می‌آیند و اغلب به انتهای گروه‌های اسمی یا به عناصر درون گروه فعلی متصل می‌شوند؛ درحالی که پی‌بست‌های مفعولی (صریح و غیرصریح) موضوع‌های فعلی هستند که معادل‌های کامل آن‌ها نیز در همان نقش می‌توانند ظاهر شوند و به گروه حرف اضافه‌ای و گروه فعلی متصل شوند. پی‌بست‌های ملکی نیز به مضاف در یک گروه اسمی متصل می‌شوند.

پورابراهیم (۱۳۹۲) در مقاله «مطالعه تطبیقی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش‌های دلواری و دشتی»، بیان می‌کند که ضمائر واژه‌بستی در این گویش‌ها در نقش‌های فاعلی، مفعول صریح، مفعول

غیرصریح و ملکی ظاهر می‌شوند. همچنین، واژه‌بست‌های فاعلی که به‌عنوان عناصر مطابقه در جمله عمل می‌کنند، در گویش دلواری از نوع پس‌واژه‌بست هستند و به انتهای ستاک فعل متصل می‌شوند؛ در حالی که در گویش دشتی، از نوع پیش‌واژه‌بستی هستند. سایر ضمائر واژه‌بستی در هر دو گویش، پس‌واژه‌بستی هستند.

کریمی (۱۳۹۱) در پژوهشی، رقابت واژه‌بست و وند در نظام کُنایی زبان‌های ایرانی را بررسی و دو الگوی رایج را در ساخت کُنایی زبان‌های ایرانی برپایه برنامه کمینه‌گرا بیان کرده است. در الگوی اول، در بندهای متعدی، فاعل حالت‌نمای کُنایی/غیرفاعلی و مفعول حالت فاعلی می‌پذیرد. در این الگو، فعل متعدی در مطابقه کامل با مفعول قرار دارد. در الگوی دوم، فاعل متعدی حالت‌نمای کُنایی ندارد؛ بلکه به‌وسیله یک واژه‌بست غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود. در این الگو، فعل با مفعول مطابقه ندارد و شکل پیش‌فرض (وند/شناسه سوم شخص مفرد) می‌پذیرد. به این ترتیب، در ساخت‌های کُنایی زبان‌های ایرانی، از لحاظ توصیفی، واژه‌بست و وند/شناسه در توزیع تکمیلی قرار دارند. کریمی استدلال می‌کند که مطابقه فعل با مفعول در الگوی اول، حاصل تطابق هسته زمان با مفعول است؛ در حالی که نبود مطابقه در الگوی دوم، به دلیل ایجاد تداخل ناقص واژه‌بست در ایجاد تطابق بین هسته زمان و مفعول است.

بدیعی و رحیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی، پی‌بست‌های ضمیری در گویش جرقویه، از توابع اصفهان را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که پی‌بست‌های ضمیری در این گویش، جایگاه‌های فاعل منطقی، مفعول صریح و اضافی را در جمله پر می‌کنند. این عناصر در جملات متعدی زمان گذشته به مفعول یا به پیشوند زمان گذشته اضافه می‌شوند. پی‌بست‌های فاعلی جملات متعدی زمان حال و گذشته افعال لازم به‌صورت شناسه‌های فعلی به ستاک فعلی می‌چسبند. پی‌بست‌های مفعولی نیز به برخی از ساخت‌های متعدی، ساخت‌های شبه‌مجهول و مضارع التزامی متصل می‌شوند.

ایزدی‌فر (۱۳۹۲) در پژوهشی، جایگاه و نقش پی‌بست‌های ضمیری در تاتی تاکستانی را بررسی و توصیف کرده است. این پی‌بست‌ها در تاتی تاکستانی، در اشاره به فاعل منطقی جمله حاوی ستاک گذشته، به اتصال به مفعول مستقیم و یا فعل جمله و در نبود مفعول مستقیم، به مفعول غیرمستقیم گرایش دارند و از این‌رو، علاوه بر اشاره به فاعل منطقی جمله، نشان می‌دهند که کدامیک از عناصر جمله مفعول هستند.

پژوهشگران خارجی نیز به واژه‌بست‌های ضمیری در گویش‌های فارسی علاقه نشان داده‌اند. هیگ و نعمتی (۲۰۱۳) در مقاله‌ای، ضمائر واژه‌بستی در دلواری را بررسی و بیان کردند که ضمائر واژه‌بستی در دلواری به زمان<sup>۱</sup> حساس هستند که این خاصیت در ایرانی میانه نیز وجود داشته است. در این گویش، در بندهای متعدی گذشته، مطابقه فعل با عامل از طریق ضمائر واژه‌بستی انجام

می‌شود و هیچ‌وند تصریفی وجود ندارد که شخص یا شمار را در فعل نشان دهد. این واژه‌بست‌های عاملی<sup>۲</sup> اجباری هستند. آن‌ها نشان دادند که این عناصر میزبان‌های متفاوتی نیز دارند؛ برای مثال، در جملات پرسشی به واژه پرسشی متصل می‌شوند. همچنین، این واژه‌بست‌ها به جاننداری یا بی‌جانگی نیز حساس هستند.

کورن (۲۰۰۹) اشتقاق واژه‌بست‌های ضمیری در ایرانی غربی معاصر را به‌طور کلی بررسی کرده است. بحث اصلی او در این نوشتار این است که برخلاف این فرضیه رایج که همه واژه‌بست‌ها از واژه‌بست‌های ضمیری ملکی/مفعولی غیرصریح<sup>۳</sup> ایرانی باستان مشتق شده‌اند، این امکان نیز وجود دارد که برخی از واژه‌بست‌ها در گویش‌های ایرانی غربی معاصر، از صورت‌های مفعولی ایرانی باستان مشتق شده باشند.

سبزعلی‌پور و ایزدی‌فر (۱۳۹۳) در مقاله‌ای، نظام حالت‌نمایی در گونه دروی زبان تاتی را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که حالت‌نمایی در تاتی دروی، برای نشان دادن نقش نحوی همه گروه‌های اسمی، از جمله اسم‌های خاص، اسم‌های عام، ضمائر شخصی و ملکی و اسم‌های اشاره به روابط خانوادگی، به‌کار می‌رود. همچنین، بیان کردند که این گونه تاتی هنوز نظام حالت‌نمایی دوره‌های پیشین زبان‌های ایرانی را بسیار حفظ کرده است. آن‌ها با بررسی ساختار جملات دارای زمان‌های مختلف در این گونه زبانی، نتیجه گرفتند که گونه دروی به‌اندازه زیادی از هجوم زبان‌های دیگر در امان مانده و بسیاری از ویژگی‌های کهن زبان‌های ایرانی، از جمله نظام حالت‌نمایی متمایز براساس زمان دستوری فعل را حفظ کرده است و از نظام حالت‌نمایی کنایی گسسته زمان‌محور برای نشان دادن نقش عناصر نحوی درون جمله بهره می‌برد. همان‌طور که در بخش واژه‌بست‌های ضمیری در بهبهانی خواهیم دید، کاربرد واژه‌بست‌ها در بهبهانی نیز به‌اندازه زیادی زمان‌محور است.

گرامی (۱۳۸۵) در مقاله «توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی»، بعد از بیان آواشناسی و برخی مشخصه‌های آوایی این گویش، دستگاه فعل و نقش و جایگاه قرار گرفتن شناسه‌های فعلی، ضمائر پیوسته شخصی و روابط آن‌ها در این گویش را توصیف کرده است. وی در این مقاله، بیان می‌کند که لازم یا متعدی بودن افعال در زمان‌های حال و گذشته، دو الگوی متفاوت دستوری را برای صرف افعال از لحاظ شناسه‌های فعلی، وندها یا ضمائر شخصی پیوسته و حتی ضمائر فاعلی جدا نشان می‌دهد. در الگوی اول، افعال لازم (حال و گذشته) و افعال متعدی (زمان حال) الگوی دستوری مشترکی از نظر صرف افعال دارند. در الگوی دوم که شامل افعال متعدی در زمان گذشته می‌شود، شناسه‌ها، ضمائر شخصی پیوسته و ضمائر فاعلی جدای ویژه‌ای به‌کار می‌روند. گرامی در پایان نتیجه می‌گیرد که گویش بهبهانی دارای مخلوطی از نظام حالت‌نمایی خنثی و ارگتیو مطلق است.

گفتنی است که او صورت‌هایی چون  $Te=t$ ،  $Me=m$  و ... را به‌عنوان ضمایر فاعلی جدا در نظر گرفته است؛ در صورتی که این‌ها ترکیبی از ضمایر فاعلی جدا و واژه‌بست‌ها در نقش فاعل و کاملاً تجزیه‌پذیر هستند و این تعبیر درست نیست.

راستی بهبھانی در کتاب *گوش بهبھانی دستور صرفی، واژگان معمول، گوش بهبھانی* را معرفی و بررسی کرده است. وی در این کتاب هفت فصلی، پس از اینکه گفتارهایی مقدماتی در مورد گوش، لهجه و دستور را بیان می‌کند، فعل و اجزای آن، اسم و گروه اسمی، ضمیر، صفت، قید، شبه-جمله، حرف اضافه و واژگان معمول این گوش را معرفی می‌نماید (راستی بهبھانی، ۱۳۸۸: ۲۱-۱۹۸). وی همچنین در مقاله «بهبھانی، گوش یا لهجه؟ بررسی ساختار صرفی فعل در زبان محلی بهبھانی»، سعی کرده است با بررسی زبان‌شناختی گونه محلی بهبھانی، مشخص کند که این گونه گوش است یا لهجه. از جمله یافته‌های این پژوهش این است که ساختار اصلی جملات در این گونه کاملاً شبیه فارسی معیار است؛ اما در ساختار صرفی افعال برای زمان‌های مختلف، بین این گوش و زبان معیار تفاوت‌هایی دیده می‌شود. شناسه‌های افعال در این زبان، با توجه به لازم یا متعدی بودن، جایگاه خود را تغییر می‌دهند و حتی تعداد واژه‌ها و همخوان‌ها در بن فعل متغیر است؛ به همین دلیل، این گونه جزو زبان‌های ارگتیو می‌شود. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد که طبق تعریف یول و فرامکین از گوش و یافته‌های این تحقیق، می‌توان گفت که بهبھانی گوش‌های زبان فارسی محسوب می‌شود (راستی بهبھانی، ۱۳۹۱: ۶۱-۸۴).

گفتنی است که در این پژوهش‌ها، به واژه‌بست‌های ضمیری و به‌ویژه جایگاه‌های مختلف آن‌ها، نقش‌های دستوری آن‌ها و میزبان‌هایی که برمی‌گزینند، اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر، این واژه‌بست‌ها را به‌طور دقیق و کامل بررسی می‌کنیم.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

واژه Clitic از لحاظ ریشه‌شناختی، از واژه یونانی *klinein*، به‌معنای تکیه دادن، گرفته شده است (Russi, 2008: 7). اندرسون (۲۰۰۵) درباره اهمیت واژه‌بست‌ها، معتقد است با اینکه این عناصر زبانی کوچک هستند، آنقدر اهمیت دارند که افراد بسیاری براساس مطالعه آن‌ها، دکتری زبان‌شناسی گرفته‌اند.

دیکسون واژه‌بست‌ها را «عوامل دستوری می‌داند که خودشان تکیه‌بر نیستند و با یک واژه میزبان، یک واژه آوایی<sup>۱</sup> می‌سازند (این واژه میزبان باید تکیه‌بر باشد). واژه‌بست می‌تواند قبل از واژه میزبان بیاید که در این صورت، آن یک پیش‌بست<sup>۲</sup> است و یا بعد از آن بیاید که در این صورت، به آن پی‌بست<sup>۳</sup> می‌گویند» (Dixon, 2007: 574).

گفتنی است که همه این عوامل دستوری دو صورت دارند؛ یا تکیه‌بر هستند و یک واحد آوایی مجزا به‌شمار می‌روند یا در موقعیت‌های زیادی، تکیه ندارند و واژه‌های مجزا نیستند؛ بلکه واژه‌بست هستند. به سخن دیگر، همه عواملی که ممکن است واژه‌بست باشند، حتماً یک صورت غیرواژه‌بستی هم دارند (Ibid: 575). جایگاه واژه‌بست‌ها و صورت آزاد آن‌ها یکی است و همیشه در حاشیه واژه‌ها پس از وندها ظاهر می‌شوند (Ibid: 595).

اسپنسر و لوئیس یکی از تفاوت‌های واژه‌بست‌ها با وندها را این می‌دانند که یک وند به واژه‌ای از یک مقوله دستوری (یک اسم یا یک فعل) خاص متصل می‌شود؛ اما واژه‌بست به هر واژه‌ای که در کنارش باشد (حتی ضمایر) متصل می‌شود. به سخن دیگر، واژه‌بست‌ها از آنجا که باید به یک میزبان متصل شوند، از نظر واجی مانند وندها عمل می‌کنند؛ اما از آنجا که به واژگانی از هر مقوله متصل می‌شوند، از نظر ساختاری مانند وندها رفتار نمی‌کنند (Spencer & Luis, 2011: 1-2). گروچ می‌گوید واژه‌بست‌ها از نظر مقوله، معمولاً صورت‌های ضعیف عوامل نقشی<sup>۷</sup>، مانند ضمایر، افعال کمکی، عوامل منفی‌ساز و واژه‌های پرسشی، هستند (Gerlach, 2002: 3).

زوئیکی و پولوم واژه‌بست‌ها را به دو دسته ساده و ویژه تقسیم کرده‌اند. واژه‌بست‌های ساده علاوه بر داشتن صورت تخفیف‌یافته و ساده‌شده، صورت واژگانی کاملی دارند؛ مانند واژه‌بست‌های 've' و 's' در انگلیسی که مخفف have و is هستند. واژه‌بست‌های ویژه برخلاف واژه‌بست‌های ساده، صورت واژگانی کامل ندارند و فقط به صورت وابسته به واژه میزبان متصل می‌شوند؛ مانند واژه-بست ملکی 's' در زبان انگلیسی که فقط به همین صورت به‌کار می‌رود (Zwicky & Pullum, 1983: 503-504).

واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی بنابر تعریف بالا، جزو واژه‌بست‌های ساده می‌شوند؛ زیرا ضمایر شخصی جدا در این گویش صورت واژگانی کامل آن‌ها هستند و در توزیع تکمیلی با واژه‌بست‌ها قرار دارند.

ضمایر واژه‌بستی یکی از انواع مهم واژه‌بست‌ها هستند که در چند دهه اخیر، توجه زیادی به آن‌ها در زبان‌ها و گویش‌های مختلف شده است.

اندرسون معتقد است واژه‌بست‌های ضمیری را می‌توان ساخت واژه نقشی گروه‌ها<sup>۸</sup> نامید. آن‌ها غالباً از جهات مختلف نیز با نشانه‌های مطابقت همانند می‌شوند (Anderson, 2005: 227). واژه‌بست‌های ضمیری شامل واژه‌بست‌های فاعلی، مفعولی (صریح و غیرصریح) و اضافی (ملکی) می‌شوند.

اسپنسر با بررسی کارهای زبان‌شناسان قبلی درمورد واژه‌بست‌ها بیان می‌کند که زبان‌شناسان مکتب‌های زبانی مختلف مشاهده کرده‌اند که رفتار واژه‌بست‌ها نه کاملاً شبیه یک واژه مستقل است و نه مانند یک وند. این همان چیزی است که کلاوانز آن را «تابعیت دوگانه»<sup>۹</sup> می‌نامد. الگوهای توزیعی

واژه‌بست‌ها نیز بسیار متفاوت هستند. درحالی که برخی از آن‌ها به ظهور در جایگاه دوم تمایل زیادی دارند، ظهور برخی دیگر در حاشیه جمله ممنوع است و برخی نیز تمایل دارند که یک مقوله خاص را به‌عنوان میزبان برگزینند. حتی اصطلاح جایگاه دوم نیز ممکن است در زبان‌های مختلف، معنی و نمودهای گوناگونی داشته باشد. درمورد جایگاه واژه‌بست نیز برخی از زبان‌شناسان به‌دنبال دلایل دستوری و نحوی (ازجمله اینکه ظهور واژه‌بست به مقوله واژه قبل از آن بستگی دارد) بودند و برخی دیگر هم بیان می‌کردند که جایگاه واژه‌بست به تعداد کلمات قبل از آن وابسته است (Spencer, 2012: 37-38).

نخستین‌بار، واکرناگل واژه‌بست‌های جایگاه دوم را مطرح کرد. او براساس بررسی رفتار واژه-بست‌های یونان باستان بیان کرد که تمایل غالب آن‌ها به ظهور در جایگاه دوم، یعنی بعد از اولین واژه در بند، است. البته اسپنسر بیان می‌کند که این تلقی از جایگاه دوم توسط محققان بعدی تعمیم پیدا کرد و شامل جایگاه بعد از اولین گروه در بند نیز شد؛ زیرا ظهور واژه‌بست‌ها صرفاً بعد از اولین واژه در یک زبان خیلی نادر است، درصورتی که زبان‌هایی که هر دو گزینه را دارند (بعد از اولین واژه یا گروه)، خیلی فراوان هستند. به این ترتیب، در کارهای اخیر، منظور از واژه‌بست، جایگاه واکرناگل واژه‌بستی است که یا بعد از اولین واژه می‌آید یا بعد از اولین گروه و این تعمیم‌یافته قانون اولیه واکرناگل است (Spencer, 2012: 39-41).

گفتنی است که هلپرن قرار گرفتن در جایگاه دوم بعد از اولین واژه را جایگاه 2W می‌نامد و بعد از اولین گروه را 2D، یعنی جایگاه دختر یا سازه دوم می‌نامد (Halpern, 1995: 15).

در واژه‌بست‌های فعل‌محور، جایگاه واژه‌بست به فعل اصلی وابسته است. برای نمونه، در بندهای زماندار (بندهایی که شامل فعل امر یا مصدری نیستند) زبان مقدونی<sup>۱</sup>، واژه‌بست قبل از فعل اصلی یا فعل کمکی به‌صورت پیش‌واژه‌بست می‌آید و در بندهای امری یا مصدری، بعد از فعل و به‌صورت پس‌واژه‌بست (Spencer, 2012: 64-65).

منظور اسپنسر از واژه‌بست‌های دوگانه، مواردی است که یک عنصر از نظر نحوی به یک سو وابسته است و از نظر واجی به سوی دیگر. برای نمونه، در صورت‌های واژه‌بستی فعل کمکی در زبان انگلیسی، مانند Tom's a linguist, Tom's reading، واژه‌بست فعل کمکی 's با فاعل یک واحد ساخت‌واژی-واجی را تشکیل می‌دهد؛ درحالی که از نظر نحوی، این فعل کمکی با گروه فعلی یا گروه اسمی بعد از خود مرتبط است (Ibid: 66).



#### ۴. روش تحقیق<sup>۱۱</sup>

داده‌های این پژوهش را به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری کردیم. داده‌های میدانی که بخش اصلی داده‌ها را تشکیل می‌دهند، شامل مصاحبه با هفت گویشور<sup>۱۲</sup> است که متولد بهبهان هستند و زبان مادری آن‌ها بهبهانی است. طیف سنی این گویشوران از ۲۷ تا ۷۹ سال است، تحصیلات آن‌ها از سوم راهنمایی تا دانشجوی دکتری است و مشاغل آزاد یا دولتی دارند. داده‌های کتابخانه‌ای را نیز از کتاب‌ها و مقالات موجود درباره این گویش و همچنین کتاب‌های شعر و ادبیات عامیانه که به این گویش نگارش شده بودند، جمع‌آوری کردیم. گفتنی است که در صورت استفاده از مثال‌های کتاب‌ها و مقالات، منبع دقیق با ذکر صفحه ذکر شده است و بقیه مثال‌ها از داده‌های مصاحبه‌ای هستند.

#### ۵. نظام واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی

نظام ضمائر واژه‌بستی یا واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی با ضمائر شخصی جدا در این گویش کاملاً متفاوت است. آن‌ها از نظر نحوی با ضمائر شخصی فارسی معاصر کاملاً مطابقت دارند؛ اما از نظر صورت با فارسی معیار متفاوت هستند. ضمائر واژه‌بستی گویش بهبهانی به چهار گروه فاعلی، مفعولی مستقیم، مفعولی غیرمستقیم و اضافی تقسیم می‌شوند که به ترتیب هر یک از آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

##### ۵-۱. واژه‌بست‌های فاعلی

واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش را در جدول زیر می‌بینیم. همان‌طور که در جدول مشخص است، برخی از این واژه‌بست‌ها با توجه به بافت آوایی، بیش از یک تکواژگونه دارند. واژه‌بست‌های فاعلی این گویش در صرف گذشته فعل خوردن، به صورت شناسه نشان داده - شده‌اند. واژه‌بست‌ها در صورت کاربرد فعل‌ها در جمله، به عناصر دیگر جمله متصل می‌شوند که در ادامه، این عناصر را بررسی می‌کنیم. گفتنی است که این واژه‌بست‌ها فقط در زمان گذشته به کار می‌روند و در جملات دارای فعل زمان حال، فقط به صورت شناسه فعلی روی فعل ظاهر می‌شوند.



جمع		مفرد		شمار شخص
خوردیم	xær-mɒ eat .PST-1PL	خوردم	xærd-æm Eat.PST-1SG	اول شخص
خوردید	xær-tɒ eat .PST-2PL	خوردی	xærd-et eat .PST-2SG	دوم شخص
خوردند	xær-fɒ eat .PST-3PL	خورد	xærd-ej eat.PST-3SG	سوم شخص

جمع	مفرد	شمار شخص
mɒ/me	æm /m	اول شخص
ta/te	t /et	دوم شخص
fɒ/fɛ	eʃ/ ej/ʃ/ɟ	سوم شخص

### ۱. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان فاعلی

در مثال‌های زیر، فاعل جمله میزبان واژه‌بست فاعلی است و ممکن است از نوع ضمیری یا واژگانی (اسم خاص یا اسامی دیگر) باشد.

۱. من کتاب را به مریم دادم.

Me=m ketɒb=æ dɒ æ mæɾjæm  
I = 1SG book=RA give.PST to Mary

۲. احمد می‌خواست به سفر برود.

ahmed-ej mi buʃɒ sæfær  
Ahmad want .3SG go.3SG travelling

۳. آیا شما غذا خورده‌اید؟

mej ʃɒma=ta qæza xærd-e  
If you=2PL food eat.PST-PRF

در جملات دارای فاعل غیرجاندار نیز واژه‌بست فاعلی به فاعل متصل می‌شود؛ یعنی جاندار و بی‌جان در این گویش در گزینش میزبان تأثیری نمی‌گذارد.

۴. گرگ مرغ را برد.

gɔrg=ej mɔrɔq=æ bu  
wolf=3SG hen=RA take away.PST

۵. او دو برادر داشت.

ʔɒ=j (ʔɒ=ʃ) dɒ berɔr bi  
He/she=3SG two brother have.PST

## ۲. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان مفعول غیرصریح

در این مثال‌ها، مفعول غیرصریح میزبان واژه‌بست فاعلی است. در مثال ۶، اسم خاص که متمم جمله است، میزبان واژه‌بست مفعولی است:

۶. برای مریم پیراهن خریدم.

se	mærjəm=æm	lebɒs	esse
for	Mary=1SG	Clothes	buy.PST

در دو مثال ۷ و ۸، ضمیرهای تو و شما میزبان واژه‌بست مفعولی هستند.

۷. با تو کار داشت.

te=j	kɔr	bi
you.DAT=3SG	work	be.PST

۸. مردی که با شما صحبت می‌کرد، معلم است.

Mærd-i	ke	dime	ʃɔmp=je	hærf	mize	mɔælem=i
Man-a	which	to	you=3SG	talk	hit.PST	teacher=is.3SG

## ۳. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان مفعول صریح

در مثال‌های این بخش، مفعول صریح میزبان واژه‌بست فاعلی است. این مفعول صریح ممکن است از مقوله‌ی واژگانی (مثال ۹، ۱۰ و ۱۴) یا ضمیری (شخصی، اشاری) باشد (مثال‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳).

۹. دیروز غذا می‌خوردم.

dig	qæzɔ=m	miɣæ
yesterday	food=1SG	eat.PST

۱۰. علی بود که کتاب را به زهرا داد.

æli	bi	ke	ketɔb=ej	ɔp	zæɔɔ
Ali	be.PST.2SG	that	book=3SG	give	Zahra

۱۱. آن‌ها را نصیحت کردیم.

ʔæ	ɔʃɔ=mɔ	næsihæt	ke
RA	they=1Pl	advise	do.PST

۱۲. در فکرش این را می‌گفت.

te	fekr=ej	ʔi=je=ʃ	mi-ɔɔ
in	thought=his/her	this=RA=3SG	PROG-tell.PST

۱۳. ماست من را چرا ریختی؟ (کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۵۶)

mass=e	me=t	si	tʃe	rix?
yogurt=EZ	my.GEN=2SG	for	what	pour.PST?

۱۴. کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دادم.

ketɔbi=m	ke	dig	esse	hædjæ=m	ɔp
book=1SG	which	yesterday=1SG	buy	gift=1SG	give

در جمله‌های متعدی، اولویت میزبانی با فاعل است و واژه‌بست از بین موضوعات فعلی، یعنی



فاعل و مفعول، فاعل را به‌عنوان میزبان انتخاب می‌کند؛ مانند مثال‌های زیر:

۱۵. من غذا خورده‌ام.

mæ=m qæzɒ χærd-e bi  
I=1SG food eat-PRf be.PRS.3SG

۱۶. علی کتاب را به زهرا داد.

æli=ʃ ketɒb dɒ zærd  
Ali=3SG book give .PST Zahra

در مثال زیر، نشانهٔ مفعولی «را» میزبان واژه‌بست فاعلی است.

۱۷. آن را خورد.

ʔɒn=æ=j χæ  
That=RA=3SG eat.PST

در صورت جمع بودن مفعول، واژه‌بست فاعلی پس از علامت جمع می‌آید؛ مانند مثال زیر:

۱۸. سیب‌ها را از درخت چیدند.

sib-ɒ=ʃɒ æ deræχ tʃi  
apple-PL=3PL from tree pick.PST

۴. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان قیدی

در مثال‌های زیر، قید جمله میزبان واژه‌بست فاعلی است.

۱۹. کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دادم.

ketɒb-i ke diga=m esse , hædjæ=m dɒ  
book-INDF which yesterday=1SG buy gift=1SG give

۲۰. دیروز غذا می‌خوردم.

dig=æm qæzɒ miχæ  
yesterday=1SG food eat

۲۱. کاش از همان اول، حقیقت را به او گفته بودم.

kɒʃki æz ævælæ=m hæqiqæt æ ɒ ɡɔte bi  
I wish from first=1SG truth to him/her tell PRT.PST

yevɑʃ=æm ave  
slowly=1SG bring.PST

۵. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان جزء غیر فعلی فعل مرکب

۲۲. توضیح دادند.

tɔzi=ʃɒ dɒ  
explain=1SG give

۲۳. پیدا کردی.

pejdɒ=t kæ  
find=1SG do.PST

## ۶. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان پیشوند استمراری

۲۴. می‌بستم.

mi=m-bæs  
PROG=1SG-close.PST

۲۵. کاش می‌توانستم برایش کاری بکنم.

kəʃki mi=m-tunes kbri si=f bə-kən-æm

## ۷. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان ضمیر پرسشی

۲۶. چقدر پول با خودت آورده‌ای؟

tʃeqæde=t pil dim-e χə=t ɒværd-e?  
How much=2SG money with-EZ yourself=your.GEN bring.PRS-PRF

## ۸. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان ضمیر مبهم

۲۷. کسی مرا صدا کرد؟

kæsi=f bɒŋg=em ze?  
Anybody=3SG call=me.ACC do.PST

## ۹. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان مسند

در جمله زیر، مسند از مقوله حرف اضافه است.

۲۸. چقدر پول با تو هست؟

tʃeqæde pil dim=e=t hæj?  
Howmuch money with=EZ=2SG be.3SG.PRS

## ۱۰. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان پیشوند نفی فعلی

۲۹. نخورده بودم.

næ=m-χærd-e bi  
NEG=1SG-eat.PST-PRF be.PST

۳۰. نخوردم.

Næ=m-χærd-e  
NEG=1SG-eat.PST

در صورت وجود مفعول در جمله، واژه‌بست به مفعول می‌چسبد، نه به پیشوند نفی؛ مانند جمله

زیر:

۳۱. غذا نخورده بودم.

qeʒv=m næ-χærd-e bi  
food=1SG NEG-eat.PST-PRF be.PST

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، اولویت میزبانی با فاعل است و در صورت وجود فاعل، مفعول، فعل

مرکب و پیشوند نفی، واژه‌بست به فاعل متصل می‌شود؛ مانند مثال‌های زیر:

۳۲. من غذا نخورده بودم.



me=m qæzɒ næ-χærd-e bi  
I.NOM=1SG food NEG-eat.PST-PRF be.PST

۳۳. من مطالعه نکردم.

me=m mɒtɒleʔe næ-ke  
I=1SG study NEG-do.PST

۱۱. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان واژه‌بست اضافی

۳۴. مرد قصاب چاقویش را تیز کرد.

qæssɒb kɒrde=fe=ej tiz kæ  
butcher knife=his/her=3SG sharp do.PST

۳۵. برای بچه‌ام می‌گفتم.

si betʃæ=m=æm mi-gɒ  
for child=my=1SG PROG-tell.PST

۳۶. پولش را دادم.

pil=ef=æm dɒ  
money=his/her=1SG give.PST

۱۲. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان واژه‌بست مفعولی غیر صریح

۳۷. با تو کار داشت.

kɒr=et=ej bi  
work=you=3SG be.PST

۱۳. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان واژه‌بست مفعولی صریح

۳۸. من را صدا کرد.

bɒŋc=em=ej zæ  
call=me.ACC=3SG do.PST

۱۴. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان صفت مفعولی

در فعل‌های زمان ماضی بعید و ماضی نقلی، صفت مفعولی میزبان واژه‌بست‌های فاعلی است.

۳۹. گفته بودم.

gɒft-e=m bi  
tell.PST-PRF=1SG be.PST.3SG

۱۵. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان فعل کمکی خواستن

۴۰. می‌خواهید بروید.

mi-t=ta be-ʃa  
PROG-want.PRS=2PL SUBJ-go.PRS

۴۱. می‌خواستم بروم.

mi=m-χas be-ʃ-æm  
PROG-1SG-want.PST SUBJ-go.PRS-1SG

## ۲-۵. واژه‌بست‌های مفعولی صریح

۱. واژه‌بست‌های مفعولی صریح با میزبان پیشوند امری یا پیشوند فعل پیشوندی

۴۲. ببرش.

be=j-be  
IMP=him/her.ACC-take

۴۳. نبرش.

næ=j-be  
NEG.IMP=him/her.ACC-take

۴۴. او را برمی‌گردانیم.

væ=f-me-gærdan-im  
back=him/her.ACC-PROG-bring.PRS-2PL

۲. واژه‌بست‌های مفعولی صریح با میزبان جزء غیر فعلی فعل مرکب

۴۵. مرا صدا کرد.

bɒŋc=em=ej                      ze  
Call=me.ACC=3SG    hit.PST

۴۶. کسی مرا صدا کرد؟

kæsi=f                      bɒŋc=em                      ze?  
Anybody=3SG    call=me.ACC    do.PST

۳. واژه‌بست‌های مفعولی صریح با میزبان پیشوند استمراری

۴۷. می‌بینمش.

mi=f-bin-æm  
PROG=him/her.ACC-see.PRS-1SG

۴۸. تو را می‌بندم.

mi=t-bænd=æm  
PROG=2SG-close.PRS=1SG

## ۴. واژه‌بست‌های مفعولی صریح با میزبان فعل

۴۹. مرد سر کوزه را گرفت و آن را روی کولش نهاد (کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

mærd=ej                      sær=e                      kuze=je                      gero                      vɔ                      nehad=ej                      ri  
man=3SG    top=EZ    jug=RA    take.PST    and    put.PST=that.ACC    on  
kol=ej  
shoulder=his.GEN

همان‌طور که می‌بینیم، در این جمله، واژه‌بست مفعول صریح به فعل نهادن متصل شده است. این مثال به فارسی معاصر گفتاری شباهت دارد. برای نمونه، در فارسی گفتاری ممکن است گفته شود

«گذاشتش روی زمین» که در این جمله، واژه‌بست مفعولی صریح به فعل متصل شده است.

### ۵. واژه‌بست‌های مفعولی صریح با میزبان پیشوند نفی

۵۰. تو را نمی‌بینم.

næ=t-me-bin-ɔm  
NEG=you.ACC-PROG-see.PRS-1SG

### ۵-۳. واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح

در این بخش، نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم که واژه‌بست‌ها در آن‌ها با توجه به معنا نقش مفعول غیرصریح را ایفا می‌کنند.

#### ۱. واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح با میزبان مفعول صریح

۵۱. من دو قرآن به تو می‌دهم (کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

mɔ dɔ ɔɔɔɔɔɔ=et mi-d-æm  
I two dollar=you.DAT PROG-give.PRS-1SG

#### ۲. واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح با میزبان پیشوند استمراری

۵۲. به او می‌گفتی.

mi=ɔ-g-æ  
PROG=him.DAT-tell.PRS-2SG

#### ۳. واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح با میزبان فعل

۵۳. به او گفته بودم.

ɔɔft-ɔm=ɛɔ bi  
tell.PST-1SG=him/her.DAT be.PST

### ۵-۴. واژه‌بست‌های اضافی

اسم (مضاف) و ضمیر انعکاسی میزبان اصلی این واژه‌بست‌ها در ترکیب‌های اضافی هستند. همان‌طور که در ادامه می‌بینیم، ساختار واژه‌بست‌های اضافی در بهبهانی و فارسی معاصر مشابه و مشترک است و نقطه اشتراک نظام واژه‌بستی بهبهانی و فارسی معیار، همین واژه‌بست‌های اضافی هستند.

جمع	مفرد	
emu:n	æm /m	اول شخص
etu:n	et	دوم شخص
efu:n	ɔɔ /ɔɔ ej	سوم شخص

#### ۱. واژه‌بست‌های اضافی با میزبان مفعول

۵۴. پشت سرت را نگاه کن.



pɔft=e      ser=et      seil      kɔn  
backof=EZ      head=your.GEN      look      do.2SG.IPM

## ۲. واژه‌بست‌های اضافی با میزبان متمم

۵۵. مطابق نظر استادم عمل کردم.

Tebq=e      næzær=e      essɒ=m      æmæl      ke  
according to=EZ      opinion=EZ      professor=my.GEN      work      do  
۵۶. پیرتر از پدرش.

pir-ter=e      bɒ=ɒf  
old-e=than      father=his/her.GEN

## ۳. واژه‌بست‌های اضافی با میزبان فاعل یا نهاد

۵۷. مدادش زیر میز افتاد.

mædɒd=ej      zir=e      miz      ɔftɒd  
pencil=his/her      under=EZ      table      fell.3SG  
book=him/her      tear      become.PST.PASS

۵۸. پسرت کی از مدرسه به خانه می‌آید؟

pɒs=et      tʃegæ      æ      mædrəsæ      mi?  
son=your.GEN      when      from      school      come.PRS.3SG

## ۵-۵. جایگاه واژه‌بست‌های ضمیری گویش بهبهانی

با بررسی دقیق مثال‌ها و نمونه‌های متعددی که بخشی از آن‌ها را در بخش‌های پیشین مطرح و بررسی کردیم، نتیجه می‌گیریم که بیشتر انواع واژه‌بست‌های گویش بهبهانی (فاعلی، مفعولی صریح و غیرصریح و اضافی) به ظهور در جایگاه دوم تمایل دارند؛ یعنی بعد از اولین واژه (آوایی یا واژگانی) یا بعد از اولین سازه در بند.

در ادامه، نمونه‌هایی از ظهور واژه‌بست در جایگاه دوم پس از اولین واژه آوایی یا واژگانی را می‌آوریم:

من کتاب را به مریم دادم.

Me=m      ketɒb=æ      dɒ      æ      mæɹjæm  
I = 1SG      book=RA      give.PST      to      Mary

احمد می‌خواهد به سفر برود.

ahmed-ej      mi      bɔʃʊ      sæfær  
Ahmad      want .3SG      go.3SG      travelling

می‌بستم.

mi=m-bæs  
PROG=1SG-close.PST



چقدر پول با خودت آورده‌ای؟

tʃeɣæde=t pil dim-e ʒɔ=t nɔværd-e?  
 How much=2SG money with-EZ yourself=your.GEN bring.PRS-PRF

ببرش.

be=j-be  
 IMP=him/her.ACC-take

او را برمی‌گردانیم.

væ=ʃ-me-gærdan-im  
 back=him/her.ACC-PROG-bring.PRS-2PL

در نمونه‌های زیر هم واژه‌بست به اولین سازه (صفت اشاره و اسم، گروه حرف‌اضافه‌ای و گروه اضافی) متصل شده است:

آن مرد کتاب را خرید.

?ɒ mærd-æ-j ketɒb esse  
 that man-DEF=3SG book buy.PST

به تو دروغ گفته است.

dim-e te=j dɔrɔ kerd-æ  
 to-Ez you=3SG lie make-PRF.PST

در فکرش این را می‌گفت.

te fekr=ej ?i=j-eʃ mi-gɔ  
 in thought=his/her this=RA=3SG PROG-tell.PST

ماست من را چرا ریختی؟

mass=e me=t si tʃe rix?  
 yogurt=EZ my.GEN=2SG for what pour.PST?

در موارد انگشت‌شماری مانند دو مثال زیر، امکان ظهور واژه‌بست در دو جایگاه وجود دارد؛ یعنی پس از اولین واژه یا دومین واژه. ممکن است دلیل این اتفاق، کاربردشناختی باشد؛ یعنی در صورت دوم که واژه‌بست به‌جای فاعل به مفعول و یا قید زمان متصل شده است، گوینده بر آن سازه تأکید بیشتری داشته است.

مرد قصاب چاقویش را تیز کرد.

qæssɒb=ej kɔrd=ej tiz ke  
 butcher=3SG knife=his/her sharp do.PST

همان‌طور که می‌بینیم، این جمله به‌صورت زیر هم کاربرد دارد؛ یعنی واژه‌بست فاعلی می‌تواند به مفعول متصل شود. گفتنی است که در جمله بالا تأکید بر قصاب است؛ ولی در جمله زیر تأکید بر کار است. بنابراین، این دو جمله تفاوت کاربردشناختی دارند.

qæssɒb kɔrde=j-ej tiz kæ  
 butcher knife=his/her=3SG sharp do.PST

کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دادم.

ketɒbi=m ke dig esse hædjæ=m dɒ  
 book=1SG which yesterday=1SG buy gift=1SG give

در ساخت زیر که صورت دیگر مثال بالا است، واژه‌بست فاعلی از جایگاه دوم به جایگاه سوم آمده است. گفتنی است که در این دو جمله نیز یک بار تأکید گوینده بر کتاب و بار دوم بر قید زمان (دیروز) است و به همین ترتیب، واژه‌بست نیز به این عناصر متصل شده است.

ketɒb-i ke diga=m esse , hædjæ=m dɒ  
 book-a which yesterday=1SG buy gift=1SG give

کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دادم.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد، واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش از نوع پس‌واژه‌بست هستند و چهار نقش فاعلی، مفعولی صریح، مفعولی غیرصریح و اضافی دارند. واژه‌بست‌های فاعلی در این گویش پانزده میزبان داشتند که از نظر نقش دستوری عبارت‌اند از: فاعل، مفعول صریح، مفعول غیرصریح، قید، جزء غیرفعلی فعل مرکب، پیشوند استمراری، ضمیر پرسشی، ضمیر مبهم، مسند، پیشوند نفی فعلی، واژه‌بست اضافی، واژه‌بست مفعولی غیرصریح، واژه‌بست مفعولی صریح و فعل کمکی خواستن. این میزبان‌ها از مقولات فعل، اسم، صفت، ضمیر (شخصی، اشاری و مبهم)، واژه‌بست، حرف اضافه، ضمیر پرسشی، پسوند تصریفی جمع و حرف نشانه «را» بودند. گفتنی است که در جمله‌های متعدی دارای فاعل و مفعول، اولویت میزبانی با فاعل است و واژه‌بست فاعلی به فاعل می‌چسبد. نکته دیگر این است که این واژه‌بست‌ها فقط در زمان گذشته به کار می‌روند.

میزبان‌های واژه‌بست‌های مفعولی صریح عبارت بودند از: پیشوند امری یا پیشوند فعل پیشوندی، جزء غیرفعلی (همکرد) فعل مرکب، پیشوند استمراری، فعل و پیشوند نفی. مفعول صریح و پیشوند استمراری میزبان واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح هستند.

از نظر جایگاه ظهور واژه‌بست نیز بیشتر انواع واژه‌بست‌های گویش بهبهانی (فاعلی، مفعولی صریح و غیرصریح و اضافی) به ظهور در جایگاه دوم، یعنی بعد از اولین واژه (آوایی یا واژگانی) یا بعد از اولین سازه در بند تمایل دارند. البته در صورت تفاوت کاربردشناختی بین اجزای جمله (تأکید گوینده بر یکی از اجزای جمله)، واژه‌بست به آن عنصر متصل می‌شود؛ حتی اگر در جایگاه دوم نباشد. این موضوع را در مثال‌ها نشان داده‌ایم.

شباهت اصلی نظام واژه‌بستی گویش بهبهانی با فارسی معیار در واژه‌بست‌های اضافی است.

از نظر میزبان‌گزینی و جایگاه، این دو گویش از فارسی در واژه‌بست‌های اضافی به صورت کاملاً یکسان عمل می‌کنند. در دو مورد، واژه‌بست‌های مفعولی صریح با میزبان جزء غیرفعلی در فعل مرکب و همچنین با میزبان فعل اصلی این دو گویش شباهت دارند و مواردی چون صدام کرد، صدات می‌کنم (واژه‌بست مفعولی صریح با میزبانی جزء غیرفعلی) و مواردی چون گذاشتمش روی میز و خوردمش (واژه‌بست مفعولی صریح با میزبانی فعل اصلی) در فارسی معیار، مبین این مطلب هستند.

اصلی‌ترین تفاوت و نقطه افتراق این دو گویش در واژه‌بست‌های فاعلی است. در فارسی معیار، عنصری با عنوان واژه‌بست فاعلی وجود ندارد و شناسه‌های فعلی نقش مطابقه را در این گویش ایفا می‌کنند؛ درحالی که گویش بهبهانی گنجینه‌ای غنی از واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان‌های متنوع از نظر نقش دستوری و مقوله دارد.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. tense-sensitive
2. agent clitics
3. genitive/ dative
4. phonological word
5. proclitic
6. enclitic
7. Functional Elements
8. Functional Morphology of Phrases
9. dual citizenship
10. macedonian

۱۱. فهرست نمادها و علائم اختصاری به‌کاررفته در مقاله:

### نشانه

-

=

1PL

1SG

2PL

2SG

3PL

3SG

ACC

### توضیح نماد

پیوند واجی در وندافزایی

پیوند واجی در واژه‌بست‌افزایی

اول شخص جمع

اول شخص مفرد

دوم شخص جمع

دوم شخص مفرد

سوم شخص جمع

سوم شخص مفرد

مفعول مستقیم

DAT	مفعول غیرصریح
DEF	معرفه
EZ	کسره اضافه
FUT	زمان آینده
GEN	حالت اضافی
IMP	وجه امری یا بای امر
INDF	نکره
NEG	تکواژهای نفی و نهی
PASS	مجهول
PL	تکواژ جمع
PRF	زمان کامل
PROG	تکواژ نمود استمراری
PRS	زمان حال
PST	زمان گذشته
RA	تکواژ «را»
SUBJ	وجه التزامی

۱۲. از گویشوران محترم، خانمها فرخنده نشاطی، بهنوش صادقی مقدم و سارا یوسفی و آقایان خیرالله محمدیان، عبدالهادی زمانی، صابر عسگری، بهزاد علیزاده و علی حق‌بین که با صبر و حوصله و بی‌دریغ بنده را در این تحقیق یاری کردند، بسیار سپاسگزارم.

## ۸. منابع

- ایزدی‌فر، راحله (۱۳۹۲). «نقش دوگانه پی‌بست‌های ضمیری در تاتی تاکستانی». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی*. صص ۱۷۵-۲۰۱.
- بدیعی، مرضیه و ملیحه رحیمی (۱۳۹۲). «بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش جرقویه». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی*. صص ۲۹۳-۳۰۳.
- پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش‌های دلواری و دشتی». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی*. صص ۲۲۱-۲۳۴.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۹). *فرهنگ تطبیقی-موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- راستی بهبهانی، امین (۱۳۸۸). *گوش بهبهانی دستور صرفی، واژگان معمول*. تهران: طرح و اجرای کتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). «بهبهانی، گویش یا لهجه؟ بررسی ساختار صرفی فعل در زبان محلی بهبهانی». *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران*. س ۲. ش ۳. صص ۶۱-۸۴.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۱). «واژه‌بست‌های ضمیری در گویش رایجی آران و بیدگل». *نامه فرهنگستان، ویژه‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. ش ۱. صص ۱۶۱-۱۷۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). «نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. د ۱. ش ۱. صص ۱-۱۰.
- سبزعلی‌پور، جهان‌دوست و راحله ایزدی‌فر (۱۳۹۳). «نظام حالت‌نمایی در گویش تاتی خلخال». *جستارهای زبانی*. د ۵. ش ۴. صص ۱۰۳-۱۲۳.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کریمی، یادگار (۱۳۹۱). «مطابقه در نظام کنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه‌بست و وند». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. د ۴. ش ۲. صص ۱-۱۸.
- گرامی، شهرام (۱۳۸۵). «توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی*. د ۲۳. ش ۱. صص ۱۰۸-۱۲۶.
- واحدی لنگرودی، محمد مهدی و شیرین ممسنی (۱۳۸۳). «بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری». *نامه فرهنگستان*. د ۱. ش ۳. ضمیمه گویش‌شناسی. صص ۶۴-۸۳.

#### References:

- Anderson, S.R. (2004). "Subject Clitics and verb-second in Surmiran Rumantsch." *MIT Working Papers in Linguistics* 47. Pp.1-22.
- Anderson, S.R. (2005). *Aspects of the Theory of Clitics*. Oxford: Oxford University Press.
- Badi'ee, M. & M. Rahimi (2013). "Analyzing the pronominal clitics in Jarquyeh dialect". *Proceedings of the First National Conference on clitics in Iranian Languages*. Pp. 293-303 [In Persian].
- Dixon, R.M.W. (2007) "Clitics in English". *English Studies*. Vol. 88. No. 5. October 2007. Pp. 574 – 600.

- Gerami, Sh. (2006). "A description of verbal system in Behbahani dialect". *Journal of Humanities and Social Sciences faculty, Shiraz University. Special issue on English language and Linguistics*. Vol. 23. Issue 1. Pp. 108-126 [In Persian].
- Gerlach, B. (2002). *Clitics between Syntax and Lexicon*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Haig, G. & F. Nemati (2013) "Clitics at the syntax-pragmatics interface: The case of delvari pronominal clitics". *ICIL5 Proceedings*. Bamberg.
- Halpern, A. (1995). *On the Placement and Morphology of Clitics*. Stanford: CSLI Publications .
- Hassan Dust, M. (2010). *Comparative Dictionary of new Iranian languages and dialects*. Tehran: Iranian Academy of Persian Language and Literature. [In Persian].
- Izadifar, R. (2013). "The dual role of pronominal clitics in Tati of Takestan." *Proceedings of the First National Conference on clitics in Iranian Languages*. Pp. 175-201 [In Persian].
- Kalbasi, I. (2009). *Descriptive Dictionary of Iran Language Varieties*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Klavans, J.L.(1985). "The Independence of syntax and phonology in cliticization". *Language*. Vol. 61. No. 1.Pp. 95-120.
- Korn, A. (2009). "Western Iranian pronominal clitics". *Orientalia Suecana*. LVIII. Pp. 159-171
- Poor Ebrahim, Sh. (2013). "Comparative study of pronominal clitics in Delvari and Dashti dialects." *Proceedings of the First National Conference on clitics in Iranian Languages*. Pp. 221- 234. [In Persian].
- Rasekh Mahand, M. (2009). "A typological perspective on the pronominal clitics in Tati Language". *Journal of Linguistic researches*. Vol. 1. Issue 1. Pp. 1-10 [In Persian].
- Rasekh Mahand, M. (2012). " Prenominal clitics in the Raiji dialect of Aran o Bidgol." *Academy of Persian Language and Literature's quarterly. Special Issue on Iranian languages and dialects*. Issue 1. Pp. 161 -172 [In Persian].
- Rasti Behbahani, A. (2009). *Behbahani Dialect Morphology, Syntax, Vocabulary*. Tehran: Book's design and implementation publication [In Persian].



- ----- (2012), "Behbahani, a dialect or accent? An analysis of Behbahani verbal morphological structure". *Local Iranian literature and languages Quarterly*. Vol. 2. Issue 3. Pp. 61-84. [In Persian].
- Russi, C. (2008). *Italian Clitics, an Empirical Study*. Berlin & New York: Mouton de Gruyter
- Sabzalipoor, J. & R. Izadifar (2014). "Case marking system in Tati dialect of Khakhal". *Journal of Linguistics inquiries*. Vol. 5. Issue 4. Pp. 103-123. [In Persian].
- Spencer, A. & A.R. Luis (2012). *Clitics, an Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Vahedy Langrudy, M. M. & sh. Mamasani (2004). "An analysis of pronominal clitics in Delvari dialect." *Academy of Persian Language and Literature's Quarterly*. Vol. 1. Issue 3. Dialectology Appendix. Pp. 83-64. [In Persian].
- Zwicky, A.M & G.K. Pullum (1983). "Cliticization vs. Inflection: English N'T". *Language*. Vol. 59. No. 3. Pp. 502-513.
- Zwicky, A.M. (1985). "Clitics and Particles". *Language*. Vol. 61. No.2.Pp. 283-305